گفت‌وگو

علامت ایمان

نگاهی نو به تعبیر «أنا قتیل العبرات»

اشاره: شانزدهمین کنگره جهانی ربیع الشهادة همزمان با ماه شعبان ماه میلاد با سعادت حضرت سیّدالشهداء علیه‌السلام در کربلای معلّی برگزار شد. در این کنگره که علما و اندیشمندانی از ۴۴ کشور دنیا حضور داشتند، علاوه بر ارائه سخنرانی‌های عمومی از سوی برخی فضلای حوزه علمیه ایران و عراق، شماری از علما نیز، به ارائه مباحث دقیق علمی پرداختند. سخنرانی آیت‌الله شیخ محمدجواد فاضل لنکرانی به زبان عربی در این کنگره- که به دعوت عتبه حسینیه و تولیت محترم آن آستان مقدّس در آن حضور یافته بود- با نگاهی نو به تعبیر «أنا قتیل العبرات»، مورد استقبال فراوان اندیشمندان و پژوهشگران شرکت‌کننده در این کنگره جهانی قرار گرفت. متن بیانات وی به‌شرح ذیل است:

با تشکّر از تولیت محترم عتبه حسینی جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالمهدی کربلایی و برگزارکنندگان این مراسم باشکوه. خدمت اساتید بزرگوار، علما و محققان ارجمندی که در محفل نورانی شانزدهمین جشنواره ربیع الشهادة حضور یافته‌اند، میلاد خجسته حضرت اباعبدالله الحسین و امام سجاد علیهما‌السلام و نیز عبد صالح پروردگار حضرت عباس قمر بنی‌هاشم علیه‌السلام را تبریک می‌گویم.

• تعابیر بلند روایات درباره امام حسین علیه‌السلام

قبل از ورود به بحث لازم می‌دانم، به نکته بسیار مهمّی اشاره کنم. در روایات و زیارت‌های مأثوره، تعابیری زیبا، بلند و اعجاب‌انگیز نسبت به امام حسین علیه‌السلام ذکر شده که فهم معنای آن، نیازمند دقت فراوان است؛ مثلاً در زیارت معروفی که از یونس‌بن ظبیان نقل شده، چنین می‌خوانیم: «أشهد أنّ دمک سکن فی الخلد». معنای این جمله که شهادت می‌دهم، خون تو در خلد سکنی گزید، چیست؟ این شهادت چگونه شهادتی است؟ طبعاً شهادت فقهی مورد نظر نیست؛ چون درک این معنا بالاتر از عقل عادی انسان است و فهم آن در ذهن بشر عادی نمی‌گنجد؛ لذا بر همه ما لازم است که بیان معنای چنین عباراتی را به اهل خودش بسپاریم که همانا امامان معصوم علیهم‌السلام هستند. البته قصور عقل ما از فهم این تعابیر مانع نمی‌شود که ما در درک این مفاهیم والا تلاش نکنیم.

• عنوان قتیل العبرات در روایات

بعد از ذکر این مقدّمه، به موضوع بحث خود در این جلسه می‌پردازم که پیرامون تعبیر مشهور «قتیل العبرات» نسبت به امام حسین علیه‌السلام است که در کلمات امیرالمؤمنین، امام حسین، امام صادق و امام باقر علیهم‌السلام و هم در زیارت‌نامه‌ها آمده و معلوم می‌شود، عنوانی بسیار مهمّ است.

در برخی از زیارت‌نامه‌های امام حسین علیه‌السلام این فراز ذکر شده است که: «السلام علیک یا قتیل العبرات و یا اسیر الکربات». اولین کسی که از این عنوان برای حضرت بهره برد، امیرالمؤمنین علیه‌السلام بود که در ایّام کودکی اباعبدالله الحسین علیه‌السلام حضرت خطاب به ایشان فرمود: «یَا عَبْرَةَ کُلِّ مُؤْمِن» و بعد امام حسین علیه‌السلام عرض کرد: یا أبتاه! أنا عبرة کلّ مؤمن؟ یعنی خود امام حسین علیه‌السلام هم تعجب کردند که این چه عنوان و تعبیری است؟ امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: بله، أنت عبرة کلّ مؤمن.

روایات «قتیل العبرات» در منابع متعددی، مثل وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل، بحارالانوار و امالی صدوق ذکر شده است. حاجی نوری در مستدرک و مرحوم صدوق در امالی از ابن‌خالده نقل می‌کنند که گفت: ما نزد امام صادق علیه‌السلام نشسته بودیم: «کُنَّا عِنْدَهُ فَذَکَرْنَا الْحُسَیْنَ علیه‌السلام» یادی از امام حسین علیه‌السلام کرده و بر قاتلان حضرت لعن کردیم. «فَبَکَی أَبُوعَبْدِاللَّهِ علیه‌السلام وَبَکَیْنَا قَالَ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ. فَقَالَ: قَالَ الْحُسَیْنُ علیه‌السلام : أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَةِ لَایَذْکُرُنِی مُؤْمِنٌ إِلَّا بَکَی». حضرت گریه کرد و ما هم گریه کردیم، آنگاه سر مبارکشان را بالا آورده و از جدش امام حسین علیه‌السلام نقل کردند که فرمودند: هیچ مؤمنی من را یاد نمی‌کند؛ مگر با اشک و گریه و مرحوم مجلسی روایت دیگری را در بحارالانوار نقل می‌کند که امام صادق علیه‌السلام فرمود: قال الحسین‌بن علی علیهما‌السلام: «أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَةِ، قُتِلْتُ مَکْرُوباً وَحَقِیقٌ عَلَی اللَّهِ أَنْ لَا یَأْتِیَنِی مَکْرُوبٌ قَطُّ إِلَّا رَدَّهُ اللَّهُ أَوْ أَقْلَبَهُ إِلَی أَهْلِهِ مَسْرُوراً». در این روایت مسأله قتلت مکروباً ذکر شده که توضیحی برای عنوان قتیل العبرة است.

• آثار اشک بر حضرت

قبل از ورود در بیان معنای قتیل العبرات، لازم است بدانیم در روایات، برای بکاء و گریه بر امام حسین علیه‌السلام چه آثاری ذکر شده است؟ در یک فحص اجمالی، حدود هفت اثر برای بکاء بر امام حسین علیه‌السلام یافته‌ام:

اوّل: چشمی که برای امام حسین علیه‌السلام اشکش جاری شود(قطرة) و یا حتی در آن اشک جمع شود(دمعة)، محبوب‌ترین چشم‌ها نزد پروردگار است؛ مثل روایت: «ما من عینٍ أحبّ إلی الله ولا عبرةٍ، من عینٍ بکت ودمعت علیه» و بعید نیست از این روایت استفاده شود که اشک بر آن‌حضرت، حتی از اشک در مقام خوف از خدا هم بالاتر است.

دوم: از جانب خداوند متعال، فرشتگانی مأمور جمع‌آوری اشک افرادی هستند که بر امام حسین علیه‌السلام می‌گریند و آن را با آب حیات بهشتی ممزوج نموده و روزی که گریه‌کنندگان وارد صحرای محشر می‌شوند، به‌صورت یک عطر خوشبو در اختیارشان قرار می‌دهند.

سوم: اشک بر آن‌حضرت، سکرات موت را بر انسان آسان می‌کند. روایت مسمع‌بن عبدالملک در کامل الزیارات به‌خوبی بر این مطلب دلالت دارد.

چهارم: موجب شفاعت پیامبر و ائمّه علیهم‌السلام از گریه‌کنندگان در روز قیامت می‌شود.

پنجم: خاموش کردن آتش جهنم است: «فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِی جَهَنَّمَ لَأَطْفَأَتْ حَرَّهَا حَتَّی لَا یُوجَدَ لَهَا حَرٌّ»

ششم: گناهان انسان بخشیده می‌شود؛ حتی در برخی از روایات تصریح به بخشیده شدن گناهان بزرگ می‌کند: «یَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَام».

هفتم: گریه بر حضرت از حیث ثواب اصلاً حدّ و اندازه‌ای ندارد. روایتی هست که مربوط به گریه بر همه اهل‌بیت علیهم‌السلام است که گریه بر حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام را نیز شامل می‌شود: «لِکُلِّ شَیْءٍ ثَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فِینَا».

• احتمالات در معانی «قتیل العبرات»

اما بحث اصلی در این جلسه، بیان معنای قتیل العبرة یا قتیل العبرات است. «أنت عبرة کل مؤمن» یعنی چه؟

در مجموع تتبعی که در چند کتاب کرده‌ام، چهار احتمال در کلمات مؤلفان این کتب یافته‌ام: یک احتمال اینکه امام حسین علیه‌السلام کشته شد تا موجب پند و عبرت و الگویی برای دیگران باشد و مردم یاد بگیرند، وقتی حاکم ستمگری به دنبال از بین بردن اساس اسلام است، انسان مکلف است، خود و خانواده‌اش را فدا کند تا دین باقی بماند.

در اینکه امام حسین علیه‌السلام چنین الگویی برای بشر و مسلمانان است، تردیدی نیست. چند سال پیش در همین مراسم «مهرجان ربیع الشهادة» تحلیل جدیدی از نهضت امام حسین علیه‌السلام را مطرح کردم که با عنوان جهاد ذبی؛ یعنی دفاع از کیان اسلام به چاپ رسیده است. بسیاری از محققان، اساس نهضت امام حسین علیه‌السلام را بر پایه امر به معروف و نهی از منکر تحلیل کرده‌اند که خود حضرت فرمود: «ارید ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر»؛ ولی سؤال این است: وقتی در آن زمان شرایط امر به معروف و نهی از منکر حاصل نبوده، چطور حضرت فرموده: می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم؟

ما در آن جلسه حرکت امام حسین علیه‌السلام را بر اساس نوعی از جهاد به‌نام جهاد ذبی؛ یعنی «الذب عن بیضة‌الاسلام» تحلیل کرده و فرق این جهاد را با جهاد دفاعی و ابتدایی بیان نموده و به این نتیجه رسیدیم که اصلاً برخی از حرکت‌های آن‌حضرت در ماجرای عاشورا بر مبنایی غیر از جهاد ذبی قابل توجیه نیست؛ اینکه امام علیه‌السلام در لحظه آخر علی‌اصغر را در آغوش گرفته تا به میدان ببرد و دشمن به او آب بدهد،؛ درحالی‌که می‌داند، دشمن او را شهید خواهد کرد؛ با این‌حال به میدان می‌آورد و کشته می‌شود. این کجا با امر به معروف و نهی از منکر سازگاری دارد؟! در حالی که این اقدام بر اساس جهاد ذبی کاملاً قابل توجیه است.

ما همان‌جا گفتیم، مسئله مقابله با اسرائیل و نیز حرکت حشدالشعبی و شیعیان عراق که با فتوای مرجعیت معظم عراق به مقابله با داعش پرداختند، با جهاد ذبی قابل توجیه است.

ولی اینکه بگوییم: امام حسین علیه‌السلام شهید شد تا دیگران عبرت بگیرند و او را برای حرکت‌های انقلابی خود در مقابل ظالمان الگو قرار دهند، هیچ ارتباطی با «انت عبرة کل مؤمنٍ» ندارد؛ زیرا امیرالمؤمنین علیه‌السلام نمی‌خواهد بفرماید، تو الگو برای هر مؤمنی هستی و امام حسین علیه‌السلام تعجب کند؛ چون در لغت عرب عبرة با فتح عین به‌معنای اشک است و آنچه به‌معنای پند و اعتبار است، عِبره به کسر عین است؛ البته جمع هر دو عبرات است.

همچنین در لغت در باب افعال عَبَر یعبُرُ و عَبَر یعبُرُ و عَبِرَ هم داریم؛ اما آنچه به‌معنای پند و اعتبار است، عَبِرَ به کسر باء، در فعل است.

احتمال دوم و سوم را مرحوم مجلسی رحمه‌الله در بحار ذکر می‌کند؛ یعنی این احتمال که قتیل العبرات به این معناست که شهادت امام حسین علیه‌السلام موجب شد، مردم تا قیامت برای او اشک بریزند: «الشهادة سببٌ للعبرة والعبرات»؛ پس اینکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به امام حسین علیه‌السلام فرمود: تو اشک هر مؤمنی هستی: «انت عبرة کل مؤمن»؛ یعنی هر مؤمنی بعد از شهادتت برای تو اشک می‌ریزد.

احتمال سوم هم اینکه حضرت فرمودند: من به‌هنگامی که زن و بچه‌ام در خیمه‌ها در حال گریه بودند، کشته شدم! انا قتیل العبرات؛ یعنی «عبرات فی حین القتال». حضرت در میدان جنگ به شهادت رسید؛ درحالی‌که خواهرش زینب کبری علیهاالسلام و بچه‌ها، همه در خیمه مشغول گریه کردن و حزن و اندوه بودند. مرحوم مجلسی بعد از نقل این دو احتمال می‌گوید: احتمال اول که شهادت حضرت سبب شد، مردم تا روز قیامت بر او گریه کنند و اشک بریزند، اظهر و قوی‌تر است.

به نظر ما هر دوی این احتمالات بعید و دومی بعیدتر است. ممکن است گفته شود: گریه و اشک درباره شهادت امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم هست. در روایت آمده که در شهادت ایشان، آسمان‌ها و زمین گریه کردند. الآن هم هرگاه موضوع شهادت امیرالمؤمنین یا فاطمه زهراو ائمه دیگر علیهم‌السلام مطرح شود، هر مؤمنی محزون شده و گریه می‌کند. پس موضوع اشک فارقی بین امام حسین و ائمه دیگر علیهم‌السلام نمی‌شود.

در پاسخ باید گفت: هرچند روایات مربوط به اشک، برخی عمومیت دارد و همه ائمه علیهم‌السلام را شامل می‌شود؛ ولی عنوان قتیل العبرات مختص امام حسین علیه‌السلام است و شامل دیگر معصومان علیهم‌السلام نمی‌شود؛ پس باید عبارت طوری معنا گردد که گفته نشود، این معنا در شهادت ائمه دیگر هم وجود دارد! اگر قتیل العبرات را چنین معنا کنیم که حضرت کشته شد تا روز قیامت مردم وقتی این حادثه را به یاد می‌آورند، گریه کنند، در این صورت وقتی شهادت امیرالمؤمنین و یا مصیبت‌های حضرت زهراعلیهاالسلام را به یاد می‌آوریم، گریه می‌کنیم و اشک می‌ریزیم. بنابراین با وجود این اشکالات، هر سه احتمال مشکل دارد و قابل پذیرش نیست.

احتمال چهارم این است که گفته‌اند: چون اثر این اشک جاری شدن، رحمت خداوند بر بشر است، آن را به اثرش معنا کردند. در روایتی امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «مَا بَکَی أَحَدٌ رَحْمَةً لَنَا وَلِمَا لَقِینَا إِلَّا رَحِمَهُ اللَّه»؛ کسی برای ما و آن مصائبی که بر ما وارد شد، گریه نمی‌کند؛ مگر اینکه خدا رحمت خاصی بر او عنایت می‌کند. که این مورد را هم باید جزء آثار اشک آورد. یکی از آثار اشک، شمول رحمت خاص پروردگار بر گریه‌کننده است؛ خصوصاً گریه بر مصائب اهل‌بیت علیهم‌السلام و به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام.

حسب این احتمال «انا قتیل العبرات»؛ یعنی من کشته شدم تا رحمت واسعه خدا شامل حال بشر شود. اتفاقاً این روایت شاهد و مؤید آن کلام می‌شود که این اثر در مورد اشک بر ائمه دیگر علیهم‌السلام هم وجود دارد و اختصاص به اباعبدالله علیه‌السلام ندارد. پس ما باید قتیل العبرات را طوری معنا کنیم که مختص به امام حسین علیه‌السلام باشد. همان‌طور که از زیارت‌های واردشده، مثل زیارت اربعین و... و نیز احادیث مطرح‌شده چنین برمی‌آید که «انا» در «انا قتیل العبرات» مفید انحصار است؛ به‌ویژه اینکه امیرالمؤمنین علیه‌السلام به امام حسین علیه‌السلام فرمود: «انت عبرة کل مؤمنٍ»؛ در نتیجه باید عبارت را طوری معنا کنیم که با انحصار واختصاص سازگاری داشته باشد.

خلاصه آنکه برای معنای قتیل العبرات تاکنون چهار احتمال ذکر شده است:

حضرت شهید شده است:

۱. تا الگو و مایه پند و اعتبار مردم در مبارزه با ستمگران باشد.

۲. برای آنکه مؤمنان تا قیامت برای او اشک بریزند. گاهی قتیل العبرات را در فارسی به «کشته اشک‌ها» ترجمه می‌کنند که این سؤال را ایجاد می‌کند: یعنی چه که امام حسین کشته شد تا ما اشک بریزیم؟

۳. درحالی‌که خانواده‌اش در خیمه‌ها گریان و محزون بودند.

۴. تا ما اشک بریزیم و این اشک رحمت خدا را بر ما جاری کند.

با غیر قابل پذیرش بودن این چهار احتمال، به نظر می‌رسد، معنای قابل قبولی را باید برای این تعبیر پیدا کرد.

در بررسی روایات ملاحظه کردم که با توجه به این نکته که «انا قتیل العبرات» اولاً، منحصر به امام حسین علیه‌السلام و ثانیاً، بیان یک مقام برای آن‌حضرت است، به‌خوبی می‌توان معنای جدیدی از تعبیر را از روایات استفاده نمود. در روایات بابی هست، تحت عنوان «ثواب البکاء علی مصیبته» که روایات زیادی را دربرگرفته است. در باب دیگری با عنوان «ما عوّضه‌الله لشهادته»، در حدیث اول، محمدبن مسلم است که می‌گوید: «سَمِعْتُ أَبَاجَعْفَرٍ وَجَعْفَرَبْنَ مُحَمَّدٍ علیهما‌السلام یَقُولَانِ: إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَی) عَوَّضَ الْحُسَیْنَ مِنْ قَتْلِهِ أَنْ جَعَلَ الْإِمَامَةَ فِی ذُرِّیَّتِهِ وَالشِّفَاءَ فِی تُرْبَتِهِ، وَإِجَابَةَ الدُّعَاءِ عِنْدَ قَبْرِهِ وَلَاتُعَدُّ أَیَّامُ زَائِرِیهِ جَائِیاً وَرَاجِعاً مِنْ عُمُرِهِ.» از امام باقر و امام صادق علیهما‌السلام شنیدم که می‌فرمودند: خداوند عوض از شهادت امام حسین علیه‌السلام، در ذریه او امامت، در تربت او شفاء و نزد قبر او اجابت دعا را قرار داد؛ به ضمیمه آنکه خداوند متعال زمان سفر زائرین حضرت را در طول رفت و برگشت، از ایام عمر ایشان محسوب نمی‌کند.

آنگاه محمدبن مسلم به امام صادق علیه‌السلام عرض می‌کند: این اوصافی که شما ذکر کردید، به‌وسیله امام حسین علیه‌السلام به دیگران می‌رسد؛ یعنی اینکه به‌برکت شهادت حضرت، خداوند امامت را در ذریه او، شفا را در تربت و اجابت دعا را کنار قبر حضرت قرار داده است، همه برای مردم است؛ پس خداوند برای شخص امام حسین علیه‌السلام چه امتیازی را در نظر گرفته است؟ امام صادق علیه‌السلام پاسخ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ (تَعَالَی) أَلْحَقَهُ بِالنَّبِیِّ صلی‌الله‌علیه‌وآله فَکَانَ مَعَهُ فِی دَرَجَتِهِ وَمَنْزِلَتِه»؛ یعنی درست است امام حسین علیه‌السلام در این دنیا نبی نبوده است؛ ولی در قیامت خداوند او را در درجه و منزلت پیامبر که فوق همه انبیاست، قرار می‌دهد. آنگاه امام علیه‌السلام این آیه شریفه را قرائت فرمودند: «وَالَّذِینَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ بِإِیمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ».

بنابراین در قضیه امام حسین علیه‌السلام هر قسمت را باید از یک منظر نگاه کرد؛ نظیر آنکه عزاداری و بکاء بر آن‌حضرت ثواب و آثار فراوان دارد، یا خداوند برای شهادت ایشان عوض قرار داده است.

در مورد معنای «انا قتیل العبرات»، با توجه به این دو نکته که: الف) مختص به امام حسین علیه‌السلام است، ب) مقامی برای خود امام حسین علیه‌السلام است، همه احتمالات چهارگانه فوق کنار می‌رود. اگر گفته شود: امام حسین علیه‌السلام کشته شد تا پند برای دیگران باشد، می‌پرسیم این چه مقامی برای خود امام حسین علیه‌السلام است؟ همان‌گونه که اگر گفته شود، شهید شد تا دیگران اشک بریزند! یا رحمت خدا به‌برکت این اشک بر مردم جاری بشود، می‌گوییم: نفع همه اینها به مردم می‌رسد و برای امام حسین علیه‌السلام مقامی را ثابت نمی‌کند. پس باید معنای دیگری برای قتیل العبرات پیدا کنیم.

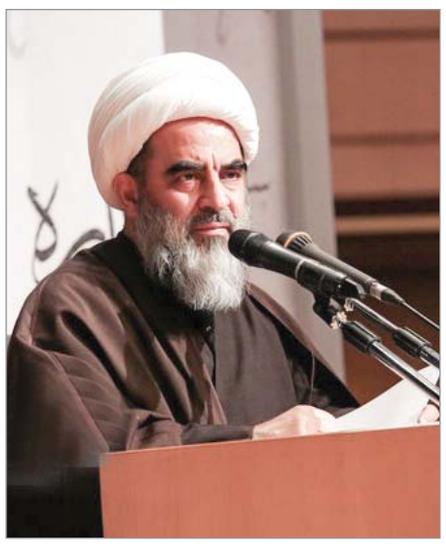

• دیدگاه مقبول

به نظرم، خود روایت «أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَةِ لَایَذْکُرُنِی مُؤْمِنٌ إِلَّا بَکَی»، به‌خوبی معنای قتیل العبرة را بیان می‌کند. امام نمی‌خواهد، خبر بدهد که در آینده هر مؤمنی یاد من کند، اشک می‌ریزد؛ بلکه می‌خواهد یک ارتباط محکم و وثیق بین اشک و ایمان برقرار کند. ایمان، مرتبط با خدای تبارک و تعالی است: «لایذکرنی مؤمنٌ»؛ یعنی مؤمن بالله. پس حضرت می‌فرماید: نمی‌شود کسی ایمان به خدا داشته باشد؛ اما برای امام حسین علیه‌السلام اشک نریزد. درست عکس این مطلب که از آثار ایمان به خدا، اشک بر امام حسین علیه‌السلام است. ما از این روایت استفاده می‌کنیم که اشک و گریه بر حضرت، نشانه کمال ایمان است: «البکاء علی الحسین علامة لکمال الایمان» ایمانی که معرفت با قلب، اقرار به زبان و عمل با ارکان است: «الایمان معرفة بالقلب، اقرار باللسان وعمل بالارکان»، روایتی است که در فقه و تفسیر مورد استشهاد قرار می‌گیرد.

در برخی دیگر از روایات، علائم ایمان ذکر شده است؛ نظیر: «اَلْمُؤمِنُ إِذَا وَعَدَ وَفَی»؛ یعنی وفای به وعده از علائم ایمان است. این روایت بدان معنا نیست که فرد با ایمان وفای به وعد می‌کند؛ بلکه می‌گوید خلف وعده، کشف از نقص ایمان فرد می‌کند؛ یعنی این عنوان -به‌حسب اصطلاح اصولی- موضوع و تمام‌الموضوع است. «لا یذکرنی مومنٌ الاّ بکی» هم، نظیر این روایت است و می‌خواهد بفرماید، بکاء، علامت و نشانه ایمان است. در روایات ما الفاظ عبره و بکاء، دمعه و قطره ذکر شده است. چقدر این قضایای امام حسین علیه‌السلام عجیب است و چقدر در روایات ائمه علیهم‌السلام به زوایای آن دقت شده است. به آن اشکی که در چشم جمع می‌شود، دمعه و به اشکی که بر گونه جاری می‌شود، قطره می‌گویند. در روایت به هر دو گونه اشک اشاره گردیده است. ربیع‌بن منذر به‌نقل از پدرش از خود امام حسین علیه‌السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «مَا مِنْ عَبْدٍ قَطَرَتْ عَیْنَاهُ فِینَا قَطْرَةً أَوْ دَمَعَتْ عَیْنَاهُ فِینَا دَمْعَةً إِلَّا بَوَّأَهُ اللَّهُ بِهَا فِی الْجَنَّةِ حُقُبا»

افزون بر علامت و نشانه‌های ایمان، در برخی دیگر از روایات اجزائی برای ایمان ذکر شده است؛ نظیر: «الایمان معرفة بالقلب واقرار باللسان وعمل بالارکان».

بکاء هم اعم از همه و شامل دمعةً، عبرةً و قطرةً می‌شود. این اشک، علامت ایمان و مؤمن بودن انسان است؛ یعنی اگر کسی حادثه عاشورا را شنید و محزون شد،]بداند که مؤمن است .[در بعضی از تعابیر «عَبره» را به حزن هم معنا کرده‌اند؛ یعنی انسان محزون گردد؛ ولو اشک هم در چشم او جمع نشود؛ یعنی حتی لازم نیست، روضه‌خوان با مرثیه‌سرایی او را تهییج کند؛ بلکه در خلوت خودش نشسته و یاد امام کند.]در این حالت[اگر دید، حزن همه وجودش را فرا گرفت، اگر دید اشک در چشمش جمع شد، اگر هنگام نوشیدن آب اشک در چشمش جمع شد، بداند ایمانش کامل است.

البته اشک علامت اصل ایمان به خدا نیست. در روایات علامت‌های مؤمن بیان گردیده است. امام سجاد علیه‌السلام فرمود: مؤمن دارای پنج نشانه است. «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ قُلْتُ وَمَا هُنَّ یَابْنَ رَسُولِ‌اللَّهِ قَالَ: الْوَرَعُ فِی الْخَلْوَةِ وَالصَّدَقَةُ فِی الْقِلَّةِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْمُصِیبَةِ وَالْحِلْمُ عِنْدَ الْغَضَبِ وَالصِّدْقُ عِنْدَ الْخَوْفِ.»؛ یعنی وقتی در خلوت، زمینه گناه فراهم است، ورع داشته باشد، وقتی تنگدست است، صدقه بدهد، به‌هنگام مصیبت و گرفتاری، صبر پیشه سازد، به‌گاه خشم و غضب، بردباری کرده و زمان خوف و ترس از بیان حق، حاضر نباشد دروغ بگوید؛ ولی همان‌گونه که اهل فن می‌گویند: این موارد، حصر اضافی است و نه حصر حقیقی. معنایش این نیست که مؤمن نمی‌تواند بیش از این پنج علامت داشته باشد. پس بسیاری از این موارد، در روایات را باید بر طبق این قاعده اصولی که می‌گوید: عدد مفهوم ندارد، معنا کرد.

همان‌طور که امام عسکری علیه‌السلام فرموده است: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْإِحْدَی وَالْخَمْسِینَ وَزِیَارَةُ الْأَرْبَعِینَ وَ-التَّخَتُّمُ فِی الْیَمِینِ وَتَعْفِیرُ الْجَبِینِ وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ» که این پنج علامت، غیر از آن پنج نشانه مذکور در روایت امام سجاد علیه‌السلام است. غرض از این توضیح آن است که کسی نگوید: شما چیزی را علامت ایمان قرار می‌دهید که در روایات ذکر نشده است، خیر. اولاً خود همین که می‌گوید: «أَنَا قَتِیلُ الْعَبْرَةِ لَا یَذْکُرُنِی مُؤْمِنٌ إِلَّا بَکَی»؛ یعنی این علامت؛ هرچند نه به‌صراحت، در شمار علامت‌های مؤمن ذکر شده است. ثانیاً چون حصر حقیقی نیست، اشکالی ایجاد نمی‌کند. امام سجاد و امام عسکری علیهما‌السلام هر یک، پنج علامت را ذکر کرده‌اند و چنانچه روایات را فحص کنیم، شاید علائم دیگری هم پیدا کنیم.

به هر حال با توجه به آن معیاری که برای اصل ایمان وجود دارد، نمی‌توانیم بگوییم: اشک بر امام حسین علیه‌السلام علامت اصل ایمان به خداست؛ اما به‌یقین می‌توان گفت، علامت برای کمال ایمان به خداست. دقت شود که با این بیان، معنای قتیل العبرات چقدر خوب، زیبا و درخور اهمیت]جلوه می‌کند[و بیان لطیفی از یک مقام برای سیدالشهدا علیه‌السلام ارائه می‌کند. خدا می‌فرماید: اشک‌های هر مؤمن در عزا و مصیبت تو را، موجب کمال ایمان او قرار می‌دهم. چنین اشکی، علامت کمال ایمان است و همین‌طور استمرار می‌یابد؛ یعنی هر کسی بخواهد ایمانش به خدا کامل شود، یکی از راه‌هایی که باید طی کند، ریختن اشک بر امام حسین علیه‌السلام است. چه چیز از این بالاتر؟ در تعابیر وارد شده نسبت به حضرت، بین امام حسین علیه‌السلام و خداوند پیوند خیلی عمیقی را مشاهده می‌کنیم. تعابیر چون: «ثارالله» که این تعبیر، فقط مربوط به امام حسین علیه‌السلام است. در روایت قتیل العبرات هم همین‌گونه است. این عنوان، بیان یک مقام برای حضرت است. اشک بر ائمه دیگر خیلی ثواب دارد. روایات هم، به‌خوبی بر آن دلالت دارد؛ اما آن اشکی که ایمان انسان را بالا ببرد و تقویت کند، اشک بر امام حسین علیه‌السلام است: «لا یذکرنی مؤمنٌ الا بکی». در بعضی از روایات تعبیر «ما من عبدٍ» آمده است؛ منتها در آن تعبیر، «بَوَّأَهُ اللهُ فِی الجَنَّةِ» ذکر شده است که منافات و تعارضی با هم ندارند.

قضیه امام حسین علیه‌السلام آن‌قدر عجیب است که اگر غیر مسلمانی هم بر آن‌حضرت اشک بریزد، در روز قیامت پاداش می‌گیرد. البته نحوه پاداش دادن به این افراد و بحث مربوط به اینکه غیرمسلمان داخل بهشت نمی‌شود را باید در بحث علمی دیگری مطرح کرد. دلیل پاداش گرفتن غیرمسلمان‌ها اطلاق برخی از روایات است که می‌فرماید: «ما من عبد قطرت عیناه». عبارت «هر بنده‌ای که اشکش جاری شود»، اطلاق محکمی دارد و شامل مسلمان و غیرمسلمان می‌شود؛ ولی «لَایَذْکُرُنِی مُؤْمِن» می‌گوید: آن کسی که ایمان به خدا دارد، مسلمان و شیعه و اهل ولایت است، این اشک درجه ولایت او را بالا می‌برد، ایمان او را به خدا قوی‌تر و محکم‌تر می‌کند. با این بیان ملاحظه می‌شود که اشک در روایات ما چه حقیقتی دارد؟ می‌گوید: ای مسلمان، مؤمن، شیعه! اگر می‌خواهی ایمانت محکم شود، از اکسیر اشک بر امام حسین علیه‌السلام استفاده کن. خصوصاً برای نسل حاضر که هر لحظه در کمین القای شبهات شیاطین هستند تا تزلزل در ایمانشان به وجود آید. این اشک بر امام حسین علیه‌السلام است که موجب استحکام و ارتقای ایمان انسان می‌شود. کجا هستند، آنهایی که زمانی اراجیف می‌بافتند و می‌گفتند: یعنی چه که ما گریه کنیم؟ گریه یعنی چه؟ گریه علامت ضعف است. آنها حقیقت اشک را نفهمیده و نمی‌فهمند. حقیقت اشک همین است که علامت کمال و استمرار ایمان می‌شود: «انا قتیل العبرات لا یذکرنی مؤمنی الاّ بکی».

امیدواریم حقایق عاشورا، محرّم و کلمات امام حسین و ائمّه علیهم‌السلام هرچه بیشتر برای ما روشن شود و بیشتر به این معارف واصل شویم.